

## دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۱۸، باستان‌شناسی و سلطنت تقسیم‌شده

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون و تدریس او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هشتم. این جلسه ۱۸، باستان‌شناسی سلطنت تقسیم‌شده است.

بسیار خوب، ما باستان‌شناسی و تاریخ سلطنت داوود و سلیمان را تمام کردیم.

و اکنون، به وقایع و باستان‌شناسی که پس از سلطنت آنها رخ داد، می‌پردازیم. و این باستان‌شناسی سلطنت تقسیم‌شده اسرائیل و یهودا است. همانطور که از متن کتاب مقدس به یاد داریم، رحبعام، پسر و جانشین سلیمان، یک گردهمایی بزرگ، یک جلسه بزرگ با بزرگان قبایل هر ۱۲ قبیله در محل شکیم، یک مکان بسیار متمرکز، داشت.

آنها خواستار رفتار بهتر، مالیات کمتر و کار کمتر برای تاج و تخت شدند. و او از انجام این کار خودداری کرد. و البته، آنها به او گفتند، به خیمه‌هایت، خاندان داوود، و به خیمه‌هایت، ای اسرائیل، و پادشاهی به دو قسمت تقسیم شد.

ده قبیله در شمال از یربعام پیروی کردند و دو قبیله به پادشاه داوود وفادار بودند و این وفاداری تا پایان تاریخ هر دو باقی ماند. ما قبلاً در ارائه دیگری در مورد الهیات کتاب پادشاهان صحبت کردیم. سلطنت تقسیم‌شده در واقع یک تاریخ موازی است که شامل تاریخی در کتاب پادشاهان و همچنین تاریخی موازی در کتاب تواریخ است.

قبل از اینکه به باستان‌شناسی این کتاب‌ها، این پادشاهان و این دوره بسیار پرماجرا در تاریخ کتاب مقدس بپردازیم، درک الهیات این دو کتاب مهم است. ما در مورد الهیات کتاب پادشاهان صحبت کردیم که الهیات مجازات تأخیری یا تجمعی است. و باز هم، گناهان پدربزرگ بر اساس گناهان نوه داوری می‌شود، به اصطلاح

با این حال، کتاب تواریخ الهیات متفاوتی دارد. الهیات موجود در کتاب تواریخ، الهیات مجازات فوری است. به عبارت دیگر، داوری برای یک عمل گناه آلود یا یک زندگی گناه آلود بر آن شخص نازل می‌شود و خیلی سریع نیز نازل می‌شود.

در ذات انسان، ما معمولاً این نوع الهیات را بیشتر دوست داریم زیرا می‌بینیم کسانی که گناه می‌کنند، داوری می‌شوند. گاهی اوقات خدا از این روش استفاده می‌کند، گاهی اوقات از روش دیگری. در یوحنا فصل ۹، عیسی مرد نابینایی را در حوض سیلوحا شفا می‌دهد، چشمانش را در حوض سیلوحا می‌شوید و بینا می‌شود.

حواریون از عیسی پرسیدند، چه کسی گناه کرد، این مرد یا والدینش؟ عیسی الهیات سومی را ارائه می‌دهد و می‌گوید، هیچ کدام. این کار برای جلال بخشیدن به خداوند انجام شد. و بنابراین روش‌های مختلفی وجود دارد که خداوند در داوری و راه‌حل‌های مربوط به آنها استفاده و انتخاب می‌کند.

اما این دو مورد در عهد عتیق به تصویر کشیده شده‌اند. بنابراین، عذاب تأخیری یا عذاب تجمعی در مقابل عذاب فوری. و این توصیف یا درکی است که ما باید هنگام خواندن این تاریخ‌ها به این کتاب‌ها ارائه دهیم.

حال، ما اشاره کردیم که کتاب پادشاهان برای بنی اسرائیل در تبعید نوشته شده است. و آنها این سوال را می‌پرسند، و ما همه چیز را از دست داده‌ایم. ما پادشاه داوودی خود را از دست داده‌ایم، معبد خود را از دست داده‌ایم، سرزمین خود را از دست داده‌ایم، خانه‌های خود را از دست داده‌ایم.

چه اتفاقی افتاد؟ این کتاب برای پاسخ به این سوال و همچنین ارائه تاریخ ملت آنها نوشته شده است. کتاب تواریخ حتی بعداً نوشته شده است. این کتاب پس از تبعید، در دوره بازسازی، بازگشت به صهیون و دوره پارس نوشته شده است.

و این به یک سوال متفاوت پاسخ می‌دهد. مردم برگشته‌اند، یا برخی از مردم به سرزمین خود برگشته‌اند. و می‌گویند، بسیار خوب، ما معبد خود را بازسازی کرده‌ایم.

به آن بزرگی که سلیمان داشت نیست، اما بازسازی شده است. ما به خانه‌هایمان برگشته‌ایم. ما به سرزمینمان برگشته‌ایم.

اورشلیم دوباره اشغال شده است. اما ما هنوز از یک پادشاه از نسل داوود بی‌خبریم. و قدم بعدی چیست؟ حالا چه باید بکنیم؟ آن حاکم از نسل داوود چه زمانی می‌آید؟ بنابراین، این سوالی است که کتاب تواریخ دوباره به آن می‌پردازد.

و جالب است بدانید که کتاب تواریخ در کتاب مقدس عبری، آخرین کتاب از مجموعه کتب مقدس عبری است. و بنابراین، وقتی از عهد عتیق به عهد جدید می‌روید، با خواندن متن عبری از عبری، از کتاب تواریخ دوباره با آن سوال آزردهنده، آن سوال بی‌پاسخ، که چه کسی یا چه زمانی یک پادشاه از نسل داوود خواهیم داشت، به کتاب متی برمی‌گردید، که البته با شجره‌نامه شروع می‌شود و از آن پادشاهان تا شخص عیسی مسیح را در بر می‌گیرد. بنابراین، این یک پل بسیار قدرتمند بین عهد عتیق و عهد جدید است.

خب، ما در مورد جدایی و تفرقه‌ای که در شکیم بین قبایل - ده قبیله شمالی و قبیله یهودا و بنیامین - رخ داد صحبت کردیم. البته، این یک متن است. و رحبعام از زبانی بسیار تند و بسیار خام استفاده می‌کند.

انگشت کوچک من از کمر پدرم کلفت‌تر است. و البته، حسن تعبیری که در آنجا به کار رفته، جنسی و بسیار ناپخته است. من آن را حتی ضخیم‌تر هم خواهم کرد.

پدرم یوغ سنگینی بر شما نهاد. من آن را سنگین‌تر خواهم کرد. پدرم شما را با تازیانه‌ها تنبیه می‌کرد.

من تو را با عقرب‌ها تازیانه خواهم زد. پس، قضاوت بسیار بدی کردی. او به مشاوران اشتباه گوش داد و پادشاهی خود را از دست داد.

حال، این نیز به دلیل گناهان پدرانش پیشگویی شده بود. و در زمان سلطنت او به وقوع پیوست. و بنابراین شما جدایی بین این دو ملت را دارید.

در ابتدا، آنها نسبت به یکدیگر خصومت دارند. و یک جنگ مرزی برای تعیین مرز شمالی بین اسرائیل و یهودا وجود دارد. اما بعدها، به ویژه در قرن هشتم، این دو متحد شدند.

و باز هم، اصلاحات حزقیای و یوشیا در واقع به شمال می‌رود، و شاید امید یا آرزوی برای آشتی و اتحاد وجود داشته باشد. این هرگز اتفاق نمی‌افتد، اگرچه در دوران سلطنت یوشیا، نوعی کورسوی امید در آنجا وجود

دارد و عید فصح در سراسر سرزمین جشن گرفته می‌شود. اولین رویداد بزرگ تاریخی که پس از تفرقه یا شکاف بین این دو پادشاهی رخ داد، یورش بود. می‌توان گفت تهاجم، اما در واقع یورش فرعون شیشق بود.

شیشق اولین فرعون از بیست و دومین سلسله لیبی بود. او مصری نبود، لیبیایی بود. و او ارتشی را به کنعان یا شام فرستاد و به اسرائیل و یهودا حمله کرد.

و جالب است که ما یک سند تاریخی داریم، به اصطلاح، که این حکاکی‌ها یا این نقش برجسته‌ها بر روی دیوار کارناک در مصر است که یادبود تمام مکان‌هایی است که شیشاک یا شیشانک به آنها حمله کرده و فتح کرده‌اند. و البته اینها توسط اسیران بسته شده با یک کارتوش زیر نام آن مکان به تصویر کشیده شده‌اند همانطور که می‌بینید، بسیاری از آنها تا حدی آسیب دیده یا محو شده‌اند، گاهی اوقات توسط مسیحیان قبلی که سنگ را تراشیدند تا نوعی پودر درست کنند و به نوبه خود، کتیبه را از بین بردند.

اما آنها توسط محققان مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بنجامین مزار و کی. ای. کیچن هر دو روی این صفحه کتیبه‌ها یا اسیران به بند کشیده شده مطالعه‌ای انجام داده‌اند. شما در اینجا یک فهرست توپوگرافی از حدود ۱۸۰ شهر و قلعه دارید که شیشاک در طول حمله خود به اسرائیل و یهودا فتح یا تصرف کرد. حال، آیا ترتیب آنها به ترتیب است؟ و مزار، به ویژه، استدلال کرد که اینها به نوعی در یک صف قرار دارند.

اسمش یادم نیست، اما عقب و جلو می‌رود، از راست به چپ، از چپ به راست. و همانطور که هر کسی که زبان مصری را می‌خواند می‌داند، زبان مصری را می‌توان در هر صورت، از بالا، پایین، چپ یا راست خواند. و بنابراین، آنها سعی کرده‌اند - محققان سعی کرده‌اند - نوعی برنامه سفر، یک برنامه سفر گام به گام از این فهرست، ایجاد کنند و با موفقیت محدودی روبرو شده‌اند.

خب، بعضی از لشکر شیشق به یک سمت رفتند و بعضی دیگر به سمت دیگر. امیدواریم در اسلاید بعدی به این موضوع بپردازیم. اما شیشق فرعون خیلی قدرتمندی نبود.

باز هم، این سومین دوره میانی بود و مصر به طور کلی ضعیف بود. جانشینان شیشق نیز ضعیف بودند. و البته، پس از او، فراعنه مختلفی برای قدرت در مناطق مختلف مصر رقابت می‌کردند.

بنابراین، این ارتش قدرتمند مصر از سلسله هجدهم نبود که به کنعان می‌رفت. احتمالاً این نیروی بسیار ضعیف‌تر بود. با این حال، اسرائیل و یهودا در آن زمان ضعیف بودند و شیشق این را می‌دانست.

همچنین جالب است که یربعام، اولین پادشاه پادشاهی شمالی، در واقع از سلیمان گریخت و به دربار مصر رفت و تا زمان مرگ سلیمان در آنجا ماند. بنابراین، شاید دسیسه‌های زیادی پشت این رویداد وجود داشته باشد. حال، استاد من در اینجا در اندروز، دکتر رندال یونکر، استدلال می‌کند که در واقع دو لشکرکشی متفاوت وجود دارد، یکی علیه یهودا و دیگری علیه اسرائیل.

او از متن، دو لشکرکشی را برداشت می‌کند، نه یکی. بنابراین این یک چشم‌انداز جالب دیگر برای بررسی است. تا جایی که ما می‌دانیم، ارتش شیشق از مصر و از طریق سینا به غزه، جازر، اورشلیم و سپس به پادشاهی شمالی آمد.

اما جناح دیگری به سمت جنوب آمد و به نقب حمله کرد. چرا آنجا؟ چرا نقب اینقدر مهم بود؟ خب، دوباره، نقب منطقه‌ای بود که کاروان‌ها از عربستان به مدیترانه و به بنادر غزه و اشکلون و غیره می‌رفتند. بنابراین، کنترل بر این منطقه باید مهم بوده باشد و شاید شیشق به دنبال غارت یا دلایل دیگری بود که ما تا به امروز از آنها بی‌خبریم.

به هر حال، جالب است بدانید که در سلسله بیست و دوم، و آلن میلارد مقاله‌ای در این مورد نوشته است، مقبره‌های جانشینان شیشک از نظر طلا و گنجینه‌ها بسیار غنی بودند، به خصوص برای یک سلسله بیست و دوم، سومین فرعون دوره میانی. این همه غارت از کجا آمده بود؟ آلن میلارد معبد اورشلیم را پیشنهاد می‌کند و احتمالاً جاذبه اصلی شیشک، گرفتن غنائیم از معبد سلیمان بوده است، و احتمالاً بخشی از آن در مقبره‌های بعدی مصری به آنجا رسیده است. حال، وقتی دانشگاه شیکاگو، موسسه شرقی، در مجدو کار می‌کرد، قطعه‌ای از یک ستون سنگی را پیدا کردند که نام شیشک روی آن بود.

بنابراین، ما دوباره شواهد باستان‌شناسی محکمی از حضور شیشک در مجدو داریم. خیلی جدیدتر، تام لوی یک مهر سوسکی از شیشک در خیریت-ان-نحاس در عروه پیدا کرد. بنابراین، این جناح از مصریان که به آراد و غیره در شهرک‌های نقب که سلیمان و شاید داوود ساخته بودند، رفتند، به مناطق معدن مس در فینان نیز رفتند.

و اگر آن سوسک توسط سربازان شیشاک به جا مانده باشد، به نظر می‌رسد که او نیز آنجا بوده است. اکنون فهرست توپوگرافی آسیب دیده است و مکان‌هایی در آن وجود دارد که نمی‌توانیم آنها را بخوانیم، که یکی از آنها اورشلیم است، اما ما اورشلیم را از متن کتاب مقدس می‌شناسیم. و به نظر می‌رسد متن کتاب مقدس و فهرست توپوگرافی معبد کارناک در بخش‌های مختلف حمله تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند.

و این، باز هم، احتمالاً یکی از نکاتی است که یونکر هنگام استدلال برای دو لشکرکشی یا دو حمله، نه فقط یک حمله، مطرح می‌کند. در کتاب تواریخ، نه در کتاب پادشاهان، و این نکته مهمی است. باز هم، تواریخ متأخر است، اما کتاب تواریخ فهرستی از شهرهایی را که رحبعام آنها را تقویت کرد، حفظ می‌کند.

اینها موضوع بسیاری از مطالعات نیز بوده‌اند، و سعی در تعیین وسعت پادشاهی رحبعام، برنامه عملیاتی او و دلیل وجود این شهرها داشته‌اند. همچنین متوجه می‌شوید که اگر این شهرها نوعی مرز را نشان می‌دهند، مرزی از غرب دارید که به شرق منتقل شده است. آنها دیگر هیچ کنترلی بر دشت ساحلی ندارند.

آنها به شفله بازگشته‌اند. برخی از این شهرها از دره‌های معروفی که از دشت ساحلی به سمت تپه‌های یهودا امتداد دارند، محافظت می‌کنند. و البته، در شرق، زیف و تکوا را دارید که از جاده‌های منتهی به دریای مرده محافظت می‌کنند.

با این حال، باز هم، پیشنهادها و تفسیرهای مختلفی از این موضوع وجود داشته است. برخی از محققان، و من فکر می‌کنم آنها در اینجا نکته‌ای دارند، به این موضوع به عنوان نوعی مکانیسم کنترل داخلی نگاه می‌کردند. به عبارت دیگر، رحبعام نگران شورش از درون بود، نه از بیرون، و بنابراین مشاوران، پسران و کارکنان مورد اعتماد خود را مسئول این شهرها و مکان‌ها قرار داد تا پادشاهی را تثبیت کنند.

حال، بدیهی است که ممکن است استحکامات و قلعه‌های دفاعی اولیه‌ای در امتداد مناطق مرزی وجود داشته باشد. همچنین به نکته جالبی توجه کنید که در امتداد شمال چیزی وجود ندارد. آیا ممکن است رحبعام هنوز به آشتی با شمال امیدوار بوده و بنابراین نتوانسته آن را به اندازه کافی تقویت کند؟ انواع سوالات در اینجا مطرح می‌شود.

و البته، سوال دیگری که به دلیل متن موجود در تواریخ مطرح می‌شود، واقعیت تاریخی بودن متن است. آیا واقعاً به رحبعام برمی‌گردد؟ برخی از محققان معتقدند که این مورد صحت ندارد و به دوره‌های بعدی برمی‌گردد. این متن منعکس کننده یک دوره بعدی است.

البته همه اینها سوالاتی هستند که در مقالات به آنها پرداخته شده است. اما از نظر باستان‌شناسی، این مکان‌ها نیز ترکیبی از موارد مختلف بوده‌اند. بیت زور در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ کاوش شد و واقعاً هیچ چیز در آنجا وجود ندارد.

قلعه هلنیستی هبرون، واقعاً قابل کاوش نیست. تپه هبرون توسط یک زیارتگاه اسلامی پوشیده شده است. لاخلش چیزی پیدا کرده است، در واقع چیزی پیدا نکرده است. کاوش‌های اولیه در لاخلش چیز زیادی در مقایسه با یافته‌های قرن دهم پیدا نکردند.

کاوش‌های جدیدتری که در ده سال گذشته انجام شده، نشان می‌دهد. در واقع، آنها یک شهر مستحکم، یک شهر دیواردار، از زمان رحبعام پیدا کرده‌اند. بنابراین این بسیار هیجان‌انگیز است، سطح ۵. حزقیا قلعه‌ای در بالای قله داشت که مک‌آلستر آن را بررسی کرد.

و تاریخ آن، باز هم، شاید خیلی متاخر باشد، دوره پارسی یا دوره‌های بعدی. بنابراین، متأسفانه، مکان‌های زیادی از این‌ها وجود ندارد که یا کاوش شده باشند یا نشان داده شده باشد که بقایایی یا استحکاماتی از زمان رهوبوم دارند. ممکن است رهوبوم صرفاً مرکز اداری را تقویت کرده باشد، نوعی استحکامات در این مکان‌ها ایجاد کرده باشد، و البته سربازانی را در آنجا مستقر کرده باشد، فقط برای اینکه، می‌دانید، کنترل را حفظ کند.

ما دقیقاً نمی‌دانیم که آنها نمایانگر چه چیزی بوده‌اند. و سپس یک سوال دیگر، سوالات زیادی در مورد اینها وجود دارد. آیا آنها قبل از شیشک ساخته شده‌اند؟ آیا آنها بعد از آن ساخته شده‌اند؟ و بنابراین، نه لزوماً لزوماً نتیجه نمی‌شود که گزارش لشکرکشی شیشک و فهرست این قلعه‌ها به ترتیب زمانی در تواریخ آمده است.

در همین حال، در پادشاهی شمالی، دوباره، رحبعام در حال تحکیم قدرت خود است و اولین پایتخت خود، یا پایتخت شکیم، را دارد که باز هم انتخابی منطقی است، که به عنوان ملکه بی‌تاج و تخت کوهستان شناخته می‌شود، و اولین پایتخت اسرائیل می‌شود. این شهر جاده‌های خوبی به ساحل و شرق، به سمت دره اردن دارد و البته، ارتباط عمیق و عمیق کتاب مقدسی با قوم اسرائیل، با وجود عیب‌ها و جرزیم در نزدیکی آن، و ارتباطات پدرسالارانه دارد.

بنابراین، این یک انتخاب ایده‌آل است، اما به این شکل باقی نمی‌ماند. بعدها، پادشاهان پایتخت را به سمت شرق و شمال به محل تیرزه در ابتدای وادی فاریا که مستقیماً به دره اردن می‌رسد، منتقل کردند. تیرزه ساخته شد و برای مدت کوتاهی پایتخت است.

سپس، هنگامی که سلسله عمری آغاز شد، عمری تپه شمر را خرید و سامره که پایتخت نهایی پادشاهی شمالی شد، ساخته شد. ما قبلاً در مورد محل بیت‌ئیل و دوباره، یربعام صحبت کردیم، برای جلوگیری از عبادت مردم در اورشلیم و تلاش برای قطع آن ارتباط، ارتباط مذهبی با شهر مقدس، دو زیارتگاه، دو پناهگاه، برای خدمت به این هدف ساخت. یکی در دان، که پیدا شده و تا حدی بازسازی شده است، که می‌توانید در بالا سمت راست ببینید.

دیگری در بیت‌ئیل، که هنوز در کوه ارتاس، درست در شمال بیت‌ئیل، به صورت ویرانه باقی مانده است. کاوش نشده است، اگرچه من حدس می‌زنم که دیر یا زود کاوش خواهد شد. بنابراین، اینها دوباره به عنوان پناهگاه‌هایی برای بنی‌اسرائیل عمل می‌کنند تا آنها را از ورود به یهودا و جشن گرفتن اعیاد و جشنواره‌هایی که مردم یهودا همچنان انجام می‌دهند، بازدارند و جلوگیری کنند. می‌توانید برخی از یافته‌های اینجا را ببینید، چند بیلچه عود و یک سر عصا که ابراهیم بران در مکان مرتفع پیدا کرد.

بران به عنوان بهترین کاوشگر شناخته نمی‌شد، اما یافته‌های شگفت‌انگیزی در این مکان داشت و همچنان که ما در حال صحبت هستیم، همچنان شگفت‌انگیز است. خب، ما در مورد پایتخت‌های پادشاهی شمالی صحبت کردیم و این پایتخت، سامره است. ما در آن سخنرانی پاورپوینت کمی در مورد تاریخ باستان‌شناسی اشاره کردیم که این اولین بار توسط رایزنر، جورج رایزنر از دانشگاه هاروارد، کاوش شد و برای آن روز خوب بود.

متأسفانه، ارگ عصر آهن، محله سلطنتی سامره در عصر آهن، در وضعیت بسیار بدی قرار داشت. اواخر دوره سبستیای، یعنی طبقات کلاسیک، بخش زیادی از آن را تخریب کردند، اما به لطف رایزنر و کاوشگران بعدی، چیزهای زیادی از این طبقات اولیه جمع‌آوری شد. می‌توانید سنگ‌تراشی‌های زیبای سرستونی که در آنجا یافت شده، برخی از دیوارهای کاخ و البته خود محل را از فاصله دور ببینید.

و باز هم، وقتی به آنجا می‌روید، بیشتر آنچه می‌بینید، ویرانه‌های مربوط به دوره‌های بعدی یونانی-رومی است. این شهر، شهری برای استراحت رومی‌ها و سربازان رومی بود و متأسفانه، بقایای اولیه آن بسیار کم است. همانطور که اشاره کردیم، رایزنر، ساماریا اوستراکا را پیدا کرد که مجموعه‌ای از رسیده‌ها است که مناطق اداری و مناطق خانواده‌ها و طوایف اطراف منسی، اطراف سامریه را نشان می‌دهد و اطلاعات تکمیلی خوبی در مورد طوایف منسی و مالیات آنها و هر آنچه که در آن زمان اتفاق افتاده یا در جریان بوده است، ارائه می‌دهد.

می‌خواهم به سفال معروف سامره اشاره کنم، و این واقعاً در اوایل قرن هشتم، در زمان سلسله جیهو، به اوج خود رسید. سفال‌هایی با زیبایی باورنکردنی، رنگ‌های درخشان و کیفیتی کاملاً عالی که تقریباً با هر چیزی که قبل از آن وجود داشت، برابری می‌کرد. این سفالگری نادر است.

این سفال در سامره و چند مکان دیگر پیدا شده است که احتمالاً توسط نخبگان، خانواده سلطنتی و طبقات بالای جامعه در سامره استفاده می‌شده است. ما امیدوار و مشتاق بودیم که تعدادی سفال سامره در اردن پیدا کنیم، زیرا می‌دانیم که هم سلسله عمریده‌ها و هم سلسله یهو، اردن و حداقل بخش‌هایی از اردن را در بخشی از زمان و قدرت خود کنترل می‌کردند، اما تاکنون باور ندارم که سفرهای اکتشافی ما به اردن سفالی پیدا کرده باشد که بتوانیم آن را به عنوان سفال سامره شناسایی کنیم. امیدوارم روزی سفال‌هایی پیدا کنیم، اما این رایج نیست، اما در سامره یافت می‌شود و از زیباترین سفال‌های عصر آهن است.

این تصویر، ارگ سلطنتی عصر آهن در سامره را در دوران سلسله یهو نشان می‌دهد. در زیر بقایای بعدی می‌توانید این منطقه را ببینید، قطعاتی از دیوارها و چیزهای دیگری که کشف شده‌اند و بیشتر آنها در اثر ساخت و سازهای بعدی از بین رفته‌اند. ما در مورد حاصور در طول فتح اسرائیل صحبت کردیم.

،البته اهمیت آن در زمان سلیمان نیز ادامه یافت، اما دیوار و دروازه سلیمان در اینجا به کل آکروپولیس آکروپولیس ۲۰ هکتاری حاصور، گسترش یافت و این مکان به مکانی بسیار مهم برای سلطنت تقسیم شده پادشاهی شمالی تبدیل شد. این مکان در سال ۷۳۲ توسط تیگلات-پیلسر ویران شد، اما تا آن زمان، دوباره یکی از مهمترین شهرهای اسرائیل بود. وقتی یادین در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این مکان را کاوش کرد، متوجه نوعی فرورفتگی ظاهراً کم‌عمق در انتهای شمالی این مکان شد و از بیل مکانیکی خود خواست تا آن را حفر کنند و ناگهان سیستم آب را پیدا کردند.

یک راه پله به پایین و سپس به سمت سفره آب زیرزمینی. کشف باورنکردنی در آنجا، و البته، این یکی از ساختمان‌های انبار سه‌گانه است. آیا این یک ساختمان انبار بوده یا یک اصطبل؟ باز هم، این بحث تا به امروز ادامه دارد.

ما در بحث خود در مورد سلطنت جابین سلیمان به مجدو اشاره کردیم و اینکه مجدو در طول سلطنت تقسیم شده ادامه یافت. این مکتبی است که در اینجا در محل قرار دارد و دیوارهای فرورفته رایج در دوره سلطنت تقسیم شده و همه این انبارها را نشان می‌دهد. و البته، یکی از آنها تا حدی در اینجا برای بازدیدکنندگان بازسازی شده است.

به زیبایی ساخته شده. ویژگی‌های مجدو. این یک کاخ قدیمی‌تر است، احتمالاً از زمان داوود یا سلیمان، کاخ که به تازگی منتشر شده است، ۶۰۰۰.

یادین در واقع این را حفاری کرد و یکی از جانشینان او در دانشگاه عبری آن را منتشر کرد. و دوباره می‌توانید یک سیستم آب‌رسانی پیچیده دیگر را ببینید. هاتسرا مستقیماً به سمت سفره آب زیرزمینی رفت، یک راه پله، این به پایین می‌رفت، یک راه پله به یک تونل می‌رفت، و تونل از میان سنگ بستر به چشمه می‌رسید، که خارج از شهر بود و ظاهراً در دوره کتاب مقدس پنهان بود.

نوع قدیمی‌تر آن در واقع از دلالتی استفاده می‌کرد که بالای زمین قرار داشت و به سیستم آب‌رسانی منتهی می‌شد، اما این کار احتمالاً توسط اخاب یا یکی از پادشاهان پادشاهی تقسیم‌شده انجام شده است. در سال کاوش‌ها در کاخ اخاب یا عمرید در جزریل آغاز شد. این کاخ در شرق مجدو قرار دارد و ما قبلاً مختصراً ۱۹۹۰ در مورد جزریل صحبت کردیم.

متأسفانه، و باز هم، باستان‌شناسی محدودیت‌های خود را نشان می‌دهد، این مکان در وضعیت بسیار بدی قرار داشت و به طرز بسیار بدی حفظ شده بود. آنها توانستند چند برج و ظاهراً قطعاتی از یک دیوار سفالی و یک دروازه بسیار بد حفظ شده را در اینجا تشخیص دهند. هر چیز دیگری یا کاوش نشده بود یا با اشغال مجدد بعدی از بین رفته بود.

کاوش‌ها در آن حوالی ادامه دارد و آنها یک دستگاه شراب‌سازی بسیار بزرگ در اینجا پیدا کرده‌اند که در سنگ بستر کنده شده است، و فکر می‌کنم ما در حال تماشای بخشی از تاکستان نابوت از آن داستان مهم و بسیار غم‌انگیز در کتاب پادشاهان هستیم. خب، هنر یادبود در دوران پادشاهی اسرائیل و یهودا موضوع بسیار مهمی است. اولین و مهمترین هنر یادبود، سرستون‌های ماریچی یا سرستون‌های پروتوآئولیک و پروتو-یونی بودند.

و اولین نمونه از اینها توسط پیر وینسنت در کاوش‌های آن دیوانه‌ی دیوانه مونتگ پارکر در اوایل قرن بیستم جایی در همین حوالی پیدا شد. تاریخ‌ها را فراموش کرده‌ام. و تا جایی که ما می‌دانیم هرگز از آن، ۱۹۱۱، ۱۹۰۹، عکس گرفته نشده، بلکه فقط توسط وینسنت توصیف شده است.

و در همان زمان، شوماخر یک سرستون اولیه یا ماریچی در مگیدو پیدا کرد. اکنون پس از آن، آنها در مکان‌های متعددی یافت شده‌اند. کنیون یکی را در اورشلیم پیدا کرد.

آنها در سامره پیدا شده‌اند. آنها در رامات راحیل، که در جنوب اورشلیم است، دوباره، یک کاخ ثانویه یهودا، یافت شده‌اند. و دو تا از اینها در حاصور.

انواع مختلفی وجود دارد. این نوع شمالی است که نشان می‌دهد در حاصور پیدا شده‌اند. این نوع جنوبی است که در اورشلیم و رامت راحیل پیدا شده است.

علاوه بر این، سرستون‌های ماریچی در عمان یافت شده‌اند. بنابراین، عمونی‌ها و همچنین موآبی‌ها از نوعی از این نوع سرستون استفاده می‌کردند. سرستون‌های موآبی‌ها در داخل و اطراف کرک و در خربه المدینه، دژ موآبی‌ها در بیابان، نزدیک بزرگراه بیابانی، یافت شده‌اند.

احتمالاً یک قلعه مرزی. بنابراین، و من هستم، سرستون‌های ماریچی در جاهای دیگر نیز پیدا شده‌اند. این یک کشف بسیار جالب در اینجا است، یک کشف اخیر، یک سرستون ماریچی، شاید برای استفاده ثانویه، در یک غار، بخشی از یک کانال آب در دره رفائیم.

و من معتقدم که این مربوط به سرستون‌های یافت شده در رامات راحیل است، زیرا به نظر من، این مکان ملک سلطنتی پادشاهان داوود در طول سلطنت آنها بوده است، زیرا آنجا سرزمین اجدادی آنها بوده است. و من این را در مقاله‌ای نوشته‌ام. اما، اینها نقش مهمی در پادشاهی‌های اسرائیل و یهودا دارند.

باز هم، این یکی از مجددو است. می‌توانید اندازه بزرگ آن را ببینید. برخی دو رو و برخی تک رو هستند.

این یکی اینجا یک رو دارد. سردر روبرو که در موزه اسرائیل بازسازی شده است. کسی که پایان‌نامه‌اش را در مورد اینها نوشت، ایگال شیلو، همان آقای که در بالا سمت راست تصویر است، بود و او شهر داوود را در اواخر دهه ۷۰ میلادی کاوش کرد تا اینکه متأسفانه در سال ۱۹۸۷ بر اثر سرطان درگذشت.

بنابراین، این نرده‌های پنجره، آثار هنری یادبود بیشتری هستند. و این نرده‌های کپی در جاهای دیگر، مانند نیمرو، یافت می‌شوند. می‌توانید عاچ را آنجا ببینید.

اما آنها در اسرائیل در رامات راحیل یافت می‌شوند، و قطعاتی از آنها، یا حداقل یکی از آنها، شهر داوود که از کاخ آمده است. بنابراین، باز هم، این یک هنر یادبود است که توسط پادشاهان یهودا و احتمالاً اسرائیل نیز استفاده می‌شده است. جالب است بدانید که وقتی اینها در رامات راحیل پیدا شدند، دوباره به هم متصل شدند.

آنها قطعات گمشده‌ای هستند، اما می‌توان آنها را بازسازی کرد. روی آنها رگه‌هایی از رنگ قرمز وجود داشت، و ارمیا در مورد پادشاه یهودا صحبت می‌کند که بخش‌هایی از کاخ خود را با رنگ قرمز رنگ آمیزی می‌کرد. بنابراین، ما ارتباط زیبایی بین ارمیا و یافته‌های رامات راحیل داریم.

یکی دیگر از مصنوعات جذاب یهودا، مجسمه‌های ستونی است که اساساً منحصراً در یهودای باستان یافت می‌شوند. راز کتر مطالعه اصلی خود را روی اینها انجام داد.

آیا آنها مجسمه‌های باروری هستند؟ باز هم، ستون، هیچ جزئیاتی از بدن در زیر شکم وجود ندارد. قسمت بالای بدن در قالب ریخته‌گری شده است. معمولاً زن سینه‌هایش را در دست گرفته است.

گاهی اوقات، اندازه آنها اغراق‌آمیز است، به طوری که به نظر می‌رسد نشان‌دهنده یک مجسمه باروری است. گاهی اوقات، آنها سرهایی شبیه به پرندگان دارند، یا شاید فقط به صورت ساده و با سبک خاصی ساخته شده‌اند و سرهایی تولید می‌کنند. و آنها دوباره در مرزهای یهودا یافت می‌شوند، نه در خارج از آن.

بنابراین، اینها یکی از شاخص‌ها هستند. اگر یک منطقه مرزی دارید و تعداد زیادی از اینها را پیدا می‌کنید، خوب، احتمالاً جمعیت زیادی از یهودیان در آنجا زندگی می‌کنند. احتمالاً تحت سلطه یهودیان است.

آیا این نسخه‌ای از الهه کنعانی، اشراه، است؟ این هم می‌تواند باشد. بنابراین، این نوعی مجسمه تلفیقی است. ما به سادگی نمی‌دانیم، اما آنها در عصر آهن در یهودا بسیار رایج بودند.

کاسه‌ها، یا پرستش کاسه‌ها، باز هم یکی دیگر از ویژگی‌ها یا نقوش در اسرائیل و یهودا هستند. البته، دو کاسه‌ای که یربعام در دن و بیت‌ئیل برپا کرد. این کاسه برنزی کوچک و زیبا، در تپه‌های شمال اسرائیل، درست در سطح صاف، پیدا شد.

البته، کاوش‌ها در اشکلون این گاو را به همراه خانه یا طویله کوچکش پیدا کرد. تصویر دیگری از آن اینجا وجود دارد. و البته، کاسه آپیس، کاسه آپیس مصری.

کونتیلت دارید اجروود هم همین مضمون را دارد. بنابراین، جالب است که ارتباط اینجا احتمالاً به تلفیق ادیان، برمی‌گردد، یعنی دین کنعانی که با پرستش خداوند آمیخته شده است. در دومین سفر اکتشافی به سامره کرافوت و چند تن از همکارانش، که یک سفر اکتشافی بریتانیایی-اسرائیلی یا یهودی بودند، انباری از عاج فیل پیدا کردند.

و اگر به یاد داشته باشید، عاموس دوباره با لحنی بسیار انتقادی درباره نخبگان یا خاندان سلطنتی سامره می‌نویسد. شما بر تخت‌هایی مزین به عاج دراز می‌کشید و بر کاناپه‌هایتان لم می‌دهید. شما بر بره‌های مرغوب و گوساله‌های پرور غذا می‌خورید.

و اینها پیدا شدند. برخی از این منبت‌کاری‌ها که در میلمان و دیوارهای دیواری استفاده می‌شدند، در سامره یافت شدند. و نمونه‌های زیبایی از هنر بنی‌اسرائیل، که باز هم به شدت تحت تأثیر فنیقیه، یعنی ایزابل و خاندان او، قرار گرفته‌اند، و همچنین می‌توانید تأثیرات قوی مصری را نیز ببینید.

باز هم، تصویر زنی کنار پنجره. و اینجا یک رویداد تاریخی جالب داریم، زمانی که بیهو کودتای خود، یعنی سرنگونی عمُریدها، را آغاز می‌کند. او به سمت یزرعیل می‌تازد، و ایزابل، که در این زمان باید کاملاً پیر باشد، آرایش می‌کند، موهایش را مرتب می‌کند و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند.

و شما این نقش‌مایه از زنی را در کنار پنجره دارید، که شاید نمایانگر چیزی شهبانی، یک فاحشه یا چیزی شبیه به آن باشد. اما ایزابل این آمادگی را پشت سر گذاشت، اما به پایین پرتاب شد و با مرگ خود روبرو شد. پیش از این، در کتاب داوران، زنان حصور را در انتظار بازگشت سیسرا دارید.

و مادرش و خانواده‌اش. و شما دوباره این سرود زیبای دبور را در شعر دارید. مادر سیسرا پشت شبکه فریاد می‌زند، چرا این ارابه اینقدر دیر می‌آید؟ چرا صدای تق‌تق ارابه‌هایش به تأخیر افتاده است؟ خب، آنها هرگز نخواهند رسید.

او نه تنها شکست خورد، بلکه کشته شد. بنابراین، این یک موضوع جالب است. خب، شمایل‌نگاری، البته خلاف احکام مربوط به داشتن تصاویر است، اما با این وجود از آنها استفاده می‌شد.

معروف‌ترینش این تصویر اینجاست، مَه‌ری که توسط شوماخر در مگیدو پیدا شد. متأسفانه، گم شده. از آن قالب‌گیری کردند، اما متعاقباً گم شد.

امیدوارم روزی، جایی پیدایش کنیم. نوشته شده که متعلق به شَمَع، خدمتکار یربعام است. حالا سوال این بود که آیا این یربعام اول است یا دوم؟ به احتمال زیاد، دومی.

بسیار مرفه‌تر و به عنوان یک پادشاه جاافتاده. تصویر زیبایی از یک شیر غران. بنابراین، این یک نکته مهم است.

یک مهر که اخیراً پیدا شده، تصویری زیبا از یک کماندار متعلق به حنان، همان چیزی است که می‌گوید. بعداً بیشتر در مورد مهرهای سلطنتی، مهرهای گل‌برگ و مهرهای لمینت صحبت خواهیم کرد. اما شما همه این سبک‌های مختلف مهر را دارید، برخی با یک خروس، یک چنگ زیبا با یک گل‌برگ، و یک فرماندار شهر زرها، که در اینجا ذکر شده است، و متعلق به، باز هم، مهرهای سلطنتی در بالا.

البته، ظاهراً این مهر متعلق به ایزابل است. متأسفانه، این موضوع اثبات نشده است، بنابراین محققان در ادعای اصالت آن بسیار مردد هستند.

اما این فقط به شما درک خوبی از برخی از شمایل‌نگاری‌ها در پادشاهی‌های باستانی اسرائیل و یهود می‌دهد. یک پایه کره اسب بسیار بسیار معروف که از سرامیک یا خاک رس ساخته شده و توسط پاول لاپ در تناخ در سال ۱۹۶۸ کشف شد. مربوط به قرن دهم است، بنابراین قدمت آن به همین قرن برمی‌گردد.

باز هم، شمایل‌نگاری این جایگاه به شدت مورد مطالعه قرار گرفته است. احتمالاً ماهیتی تلفیقی دارد. شما یک زن با دو شیر دارید، شیرزن، و اینها، باز هم، نقوش کنعانی، نقوش دین کنعانی هستند.

اخیراً، پایه‌های کلت در یاونه پیدا شده‌اند که بعداً به آنها خواهیم پرداخت. اما این، تا به امروز، آراسته‌ترین و دقیق‌ترین پایه‌ای است که تاکنون پیدا شده است. ما قبلاً، وقتی در مورد آشوریان صحبت کردیم، در مورد اهمیت نبرد قرقر صحبت کردیم و این نبرد، باز هم یک رویداد محوری در دوران سلطنت تقسیم‌شده بود.

یهودا و اسرائیل رخ دادند. ظاهراً اسرائیل در موقعیت پیشرو این ائتلاف از کشورهای شام بود که علیه آشور در شمال سوریه می‌جنگیدند. این جنگ در حیات خلوت اسرائیل رخ نداد.

آنها مجبور بودند برای جنگ با شلمانسر سوم، مسافت زیادی را در ساحل تا قرقر طی کنند. و ظاهراً، یا این نبرد خونین بود یا آنها موفق شدند. از قضا، کتاب «اولین پادشاهان» حتی به این موضوع اشاره‌ای نمی‌کند.

این یک رویداد تاریخی بسیار بسیار مهم است. ضمناً، نبرد قرقر اولین رویدادی است که می‌توانیم تاریخ آن را به طور مطلق تعیین کنیم. اما در آن چه آمده است، اول پادشاهان ۲۲.۱؟ سه سال صلح بین ارام و اسرائیل.

چرا اینطور است؟ توضیح نمی‌دهد. سه سال صلح برای مقابله با یک دشمن مشترک بود و آن آشور بود. و این، البته، سنگ‌نبشته‌ی کرک است که روایت آشوری از نبرد است، که البته از نظر آنها، موفقیتی چشمگیر بود.

فکر می‌کنم نوع مشابهی از تبلیغات امروزه نیز ادامه دارد. وقتی صدام حسین در جنگ اول خلیج فارس شکست خورد، چه گفت؟ او پیروزی را اعلام کرد. شما هرگز شکست نمی‌خورید.

تو همیشه پیروز هستی. و این یک نوع تبلیغات سلطنتی معمول در دوران کتاب مقدس است، به جز متن کتاب مقدس که بسیار جدی است و می‌گوید که اوضاع واقعاً چگونه بوده است. بعداً، اخاب در نبرد کشته می‌شود.

این متنی بسیار تکان‌دهنده است که در آن پیامبری به او می‌گوید که تو خواهی مرد. بنابراین اخاب و یهوشافاط و ارابه‌ها و لشکرهایشان به دشت‌های جلعاد می‌روند و با آرامی‌ها در جلعاد دورافتاده می‌جنگند و اخاب می‌میرد. او قهرمانانه می‌میرد، با ارابه‌اش می‌ماند، اما می‌میرد.

محل دورافتاده‌ی گیلید، تل‌ار رومیث است. این مکان در دهه‌ی ۱۹۶۰ توسط پاول لاپ کاوش شد. اکنون در حال ساخت‌وساز است که جای تأسف دارد.

این مکان با ساختمان‌های مدرن در حال ساخته شدن است، زیرا اردن همچنان در حال گسترش در اطراف اربد و گسترش شهرنشینی و گسترش بی‌قاعده شهری است. اما این یک قلعه کوچک بود. و شما می‌توانید دوباره از خرابه‌های رومیث، دشت زیبای را در اینجا ببینید که برای جنگ ارباه‌ای ایده‌آل است.

اینجا محل زخمی شدن و در نهایت مرگ اخاب است. الیاس و الیشع، که دوباره معروف شدند، الیاس و پیامبران بعل در کوه کرمل، و البته تاکستان نابوت، این چرخش شراب در اینجا، پیامبران بسیار مهمی در این دوره بسیار پرآشوب بودند، دوره‌ای که افراد بسیار کمی هنوز وفاداری و فداکاری و ایمان به خداوند را حفظ می‌کردند. پادشاهی شمالی سلسله‌های بسیار بسیار کمی داشت، عمریده‌ها، یهو‌ها، اما بیشتر آنها دسیسه‌ها و کودتاها و سرنگونی‌های زیادی درباری بودند.

بنابراین، ناپایدار بود. قدرت، جایگاه قدرت در سامره، ناپایدار بود. آخرین پادشاه نابود شد و سامره سرانجام پس از محاصره‌ای طولانی در سال ۷۲۲ سقوط کرد.

آشوریان تحت فرمان سارگون دوم، شلمانسر پنجم، که در این زمان تغییری در پادشاهان آشوری ایجاد شده بود، همه مردم را به شمال سوریه تبعید کردند. و این آغاز افسانه ده قبیله گمشده بود. و درک این نکته مهم است که این ده قبیله گمشده هرگز گم نشده بودند.

ما می‌دانیم آنها کجا رفتند. آنها به شمال سوریه رفتند. و می‌دانیم چه اتفاقی برایشان افتاد.

آنها به سادگی در فرهنگ آشوری جذب شدند. تعداد بسیار کمی به خداوند وفادار بودند. آنها هویت مذهبی یا ملی خود را حفظ نکردند.

آنها فقط جذب شدند. و از قضا، بسیاری از آشوری‌ها و عراقی‌های شما امروز خون اسرائیلی دارند، زیرا آن اسرائیلی‌ها با هم ازدواج کردند، ساکن شدند، زبان آشوری را آموختند و هویت خود را از دست دادند. و چند نسل بعد، آنها صرفاً اتباع آشوری بودند که در شمال سوریه زندگی می‌کردند.

بنابراین، ده قبیله گمشده بریتانیایی نیستند. آنها در جای دیگری از زمین نیستند. آنها فقط اسرائیلی‌هایی بودند که به سادگی در فرهنگ آشوری جذب شده بودند.

این تصویر یک هنرمند از سقوط سامره در بالا سمت راست است. و ما در مورد این موضوع وقتی که در مورد ستون هر می سیاه شلمانسر سوم در حال پذیرش خراج از ییهو، پسر عمری صحبت می‌کنیم، صحبت خواهیم کرد. نادرست.

ییهو پسر عمری نبود. او سلسله جدیدی را آغاز کرد. اما آشوریان این را نمی‌دانستند.

آنها هوش و ذکاوت قدیمی داشتند. بنابراین فکر می‌کردند که او یکی از اومریده‌ها است. این مربوط به سال ۸۴۱ قبل از میلاد است، اولین تصویر از یک پادشاه اسرائیلی در یک نقش برجسته معاصر ۸۴۱.

در همین حال، یهودا مشکلات خاص خود را داشت. یهوشافاط پادشاه بزرگی در قرن نهم بود. او دوباره با اخاب متحد شد و در جلعاد دورافتاده با اخاب جنگید.

اما هنگامی که سلسله عمرید در سال ۸۴۱ پیش از میلاد سقوط کرد، در سراسر جنوب شام، تزلزل قدرت رخ داد. نهادها یا حکومت‌های ماوراء اردن شامل ادوم، موآب و عمان، شاهد تضعیف کنترل بنی اسرائیل بر ماوراء اردن بودند، بنابراین شورش کردند، که مهمترین آنها میشا بود. آنها با هم متحد شدند و از لسان عبور کردند، به عین جدع رفتند و قصد حمله به یهودا را داشتند.

آنها ارتش عظیمی داشتند. یهوشافاط از خداوند درخواست کمک کرد و خداوند به او گفت که با ارتش و گروهش بیرون برود. و خداوند از این ارتش مراقبت خواهد کرد، و او چنین کرد.

آنها به جان هم افتادند و یکدیگر را نابود کردند، و تنها کاری که ارتش یهودا باید انجام می‌داد، جمع‌آوری تمام غنایم بود. روایتی باورنکردنی در دوم تواریخ، باب ۲۰ وجود دارد و چند دقیقه دیگر عکس‌هایی از آن خواهیم دید. ستون سنگی میشا

باز هم، ما یک کپی زیبا از این در موزه خود داریم که در مورد آن صحبت خواهیم کرد. باز هم، توسط پادشاه میشا از موآب ساخته شده است، که ممکن است در این ائتلاف علیه یهوشافاط بوده باشد. این یک بنای تاریخی بسیار بسیار مهم بود.

کتیبه سلطنتی در دابان در اردن یافت شد و متأسفانه بعداً توسط بادیه‌نشینان نابود شد. اما این کتیبه قابل بازسازی بود و متن آن به این دلیل مرمت شد که یکی از بازدیدکنندگانی که آن را دیده بود، آن را فشار داد و برخی از قطعات را جمع‌آوری کرد و بین آن دو نفر توانستند متن را بازسازی کنند. این کتیبه تا به امروز یکی از دقیق‌ترین متون باستانی عهد عتیق است که مورد مطالعه قرار گرفته است، زیرا اطلاعات زیادی در مورد فضای ژئوپلیتیکی در قرن نهم قبل از میلاد بین اسرائیل، یهودا و ماوراء اردن در آن وجود دارد.

بسیار خوب، ما اینجا به عین جدی نگاه می‌کنیم. اینجا جایی است که سه ارتش شروع به صعود و حمله به یهودا کردند. صعود به زیز بالای عین جدی، و سپس صحرای تکوا در بالا، در شرق بیت لحم، و البته بعد از آن دره برکه، جایی که بنی اسرائیل این واقعبیت را جشن گرفتند که این سه ارتش خود را کشته‌اند، و خداوند دوباره یهودا و اورشلیم را از دشمنان نجات داده است.

یکی از چیزهایی که زیاد در موردش صحبت نکرده‌ایم، احتمال جعل آثار باستانی و عتیقه‌های تقلبی موجود در بازار است و این موضوع تقریباً در ۲۰-۳۰ سال گذشته به یک اپیدمی تبدیل شده است. یکی از معروف‌ترین آنها، سنگ یادبود یواش است که باز هم یک سنگ یادبود نیمه کامل است. قسمت بالایی آن شکسته است.

اینجا هم ترک خورد. خط زیبای عبری اینجا، و تعمیراتی که توسط یواش، پادشاه یهودا، در معبد انجام شده را شرح می‌دهد. حالا، اکثر محققان این را جعلی می‌دانند.

. برخی معتقدند که این [عکس/نوشته/...] واقعی بوده است. مشکل اصلی، باز هم، بی‌اساس بودن آن است. هیچ‌کس نمی‌داند کجا آمده است.

هیچ‌کس نمی‌داند کجا پیدا شده است. همین الان در بازار عتیقه‌جات پیدا شد، و محققانی که ادعا می‌کنند جعلی است، در عقیده خود بسیار راسخ هستند، و محققانی که معتقدند می‌تواند واقعی باشد، به همان اندازه سرسخت هستند. بنابراین، این یک مشکل مداوم است، و ما سعی می‌کنیم، با استفاده از فناوری پیشرفته‌ای که در اختیار داریم، تشخیص دهیم که آیا آن پتینه واقعی است یا جعلی.

جا‌اعلان یا افرادی که در این حرفه فعالیت دارند، روز به روز باهوش‌تر می‌شوند، و بنابراین این مسئله‌ای است که تا به امروز به عنوان یک مشکل باقی مانده است. بنابراین، با این مقدمه، به قرن هشتم میلادی برمی‌گردیم و با پاورپوینت متفاوت ادامه می‌دهیم. متشکرم.

من دکتر جفری هادون و تدریس او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هشتم. این جلسه ۱۸، باستان‌شناسی سلطنت تقسیم‌شده است.